

علم أصول الفقه

أصالة الاحتياط ٩-١١-١٤٠١ ٥٩

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

اعتباریات و برهان

- اعتباریات و برهان
- علامه طباطبایی می گوید برهان در اعتباریات راه ندارد. مقصود علامه از اعتباریات، اعتباریات محض است، نه اعتباریات نفس الامری. وی مباحث فلسفی را مباحث برهانی می داند.
- ان شاء الله در بحث متدلوژی فلسفه علم اصول به قضاوت در مورد مطلب علامه می پردازیم و نظر مخالفان را که به جریان برهان در اعتباریات محض اعتقاد دارند، بیان می کنیم. در اینجا معنای جریان برهان در اعتباریات محض و دلیل علامه و دیگران را بر ورود برهان یا عدم ورود آن توضیح خواهیم داد.
- ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ مقاله ششم، چاپ شده در مجموعه آثار شهید مطهری؛ ج ۶، صص ۳۹۶ و ۴۲۹. شهید مطهری در تعلیقات خویش نیز به توضیح همین مطلب پرداخته است (همان، صص ۳۷۱ و ۴۰۰).
- ر.ک: مهدی هادوی تهرانی؛ تأملات در علم اصول فقه؛ کتاب اول، دفتر هشتم، بخش سوم، فصل سوم، مبحث «۱. روش عقلی یا روش فلسفی».

روش عقلی یا روش فلسفی

• روش عقلی یا روش فلسفی

• ۱-۱. امکان استفاده از روش عقلی یا فلسفی در علم اصول فقه

• برخی از مسائل در علم اصول با روش عقلی بررسی می‌شوند. مقصود از روش عقلی همان روشی است که در فلسفه و منطق به کار می‌رود. در واقع این دسته از مسائل، شبیه مسائلی هستند که در دانش منطق یا فلسفه با آنها مواجه هستیم، نه اینکه آنها مسئله فلسفی یا منطقی به معنای خاص کلمه باشند. تمام بحث‌های غیرمستقلات عقلی - مثل بحث ضد، اجتماع امر و نهی، مقدمه واجب - و همچنین برخی از اصول عملی مثل براءت عقلی، احتیاط (که اصولیان آن را می‌پذیرند و از آن به احتیاط عقلی تعبیر می‌کنند) و تخییر (تخییر در دوران بین دو محصور) همه با روش عقلی مطرح و بررسی می‌شوند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• در برخی مسائل نیز بعضی از اصولیان از روش عقلی استفاده می‌کنند و برخی دیگر در همان مسائل به روش‌های دیگر تمسک می‌کنند؛ مثلاً در بحث استعمال لفظ در بیش از یک معنا، برخی مثل صاحب کفایه (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) از روش عقلی استفاده کرده‌اند و برخی دیگر مثل سید صاحب عروه (۱۲۴۸-۱۳۳۷ق) یا شهید صدر (۱۳۵۳-۱۴۰۰ق) از روش دیگری بهره گرفته‌اند که ما از آن به روش عرفی تعبیر می‌کنیم. شهید صدر همانند آخوند معتقد است به کارگیری لفظ در بیش از یک معنا جایز نیست. وی در نتیجه با آخوند موافق و در روش با وی تفاوت دارد. صاحب عروه بر خلاف شهید صدر قایل است به کارگیری لفظ در بیش از یک معنا جایز است؛ اما همانند وی، روشش، روش عرفی است.

روش عقلی یا روش فلسفی

• گفتیم روش عقلی در اینجا همان روشی است که فیلسوف و منطق‌دان با آن به بحث می‌پردازند؛ اما آیا اصلاً کاربرد چنین روشی در اصول مجال دارد؟ آیا ما می‌توانیم از روش‌های عقلی که در منطق و فلسفه به کار می‌روند، در علم اصول هم استفاده کنیم؟

روش عقلی یا روش فلسفی

• برای اینکه جایگاه این پرسش معلوم شود، باید به نکته این سؤال توجه کرد. آن نکته این است: روش‌های فلسفی برای کشف حقایق‌اند و به عالمی مربوط می‌شوند که در آنجا برای مفاهیم مطرح شده، «ما بازایی» باشد؛ در حالی که در علم اصول از حقایق صحبت نمی‌کنیم. در علم اصول از مطالبی بحث می‌کنیم که همه آنها به گونه‌ای از سنخ اعتباریات‌اند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• آیا ما می‌توانیم از روش‌های عقلی برای بررسی مسائلی که در حوزه اعتباریات‌اند، استفاده کنیم؟ آیا شیوه‌های استدلالی که در فلسفه و منطق مطرح می‌شوند و در مورد حقایق‌اند، قابل تطبیق بر امور اعتباری نیز هستند؟

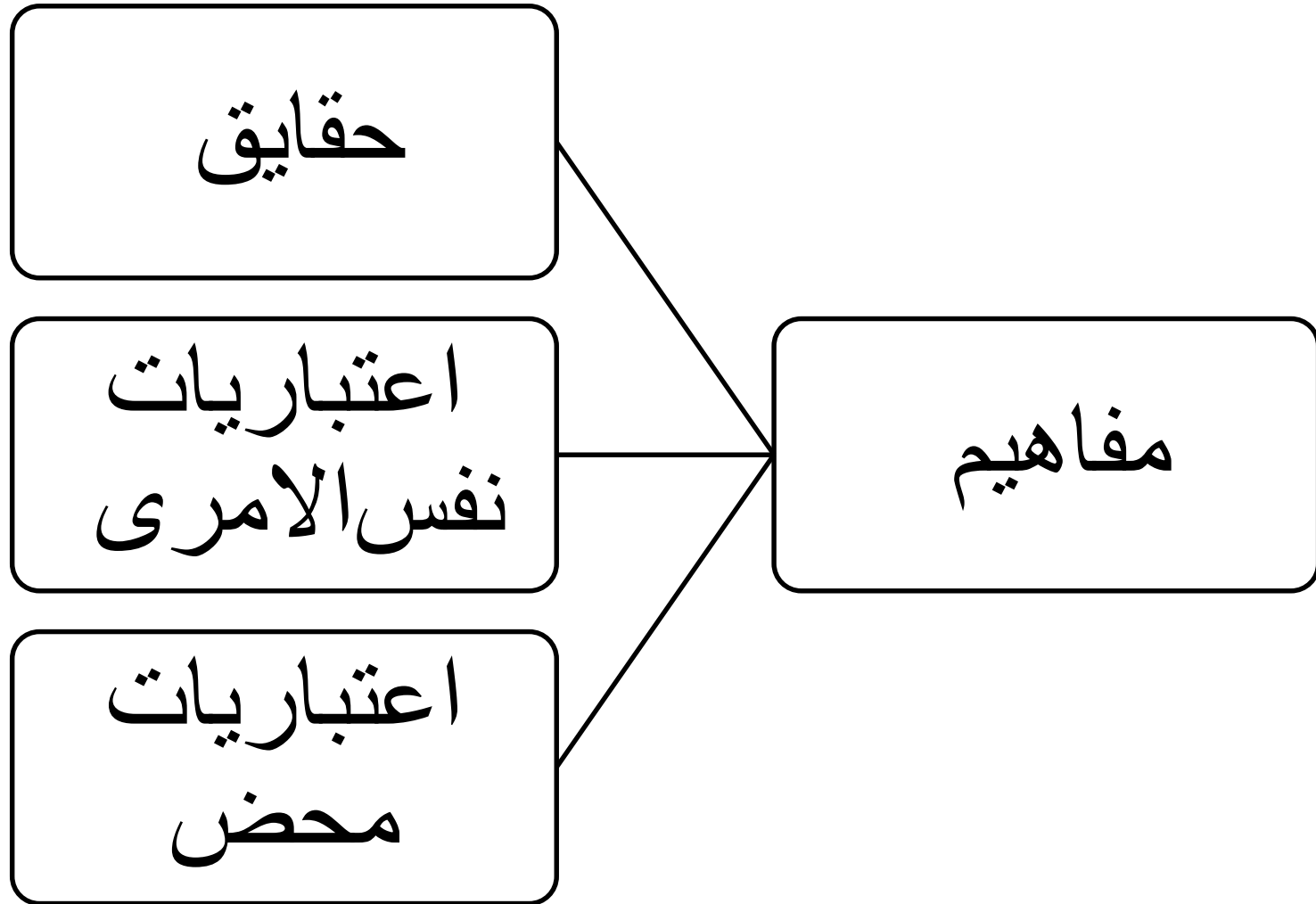
روش عقلی یا روش فلسفی

• برای جواب باید به مقدمات زیر توجه کنیم:

روش عقلی یا روش فلسفی

- ما قبلاً این مطلب را مفصل گفتیم و بارها تکرار کردیم که مفاهیم به سه دسته تقسیم می‌شوند:
- الف) حقایق؛
- ب) اعتباریات نفس‌الامری؛
- ج) اعتباریات محض.

روش عقلی یا روش فلسفی



روش عقلی یا روش فلسفی

• مقصود از **حقایق** مفاهیمی اند که در خارج دارای «ما بازاء» هستند و مقصود از **اعتباریات**، مفاهیمی اند که «ما بازاء» ندارند و ذهن آنها را به گونه‌ای می‌سازد. این مفاهیمی که ذهن آنها را می‌سازد، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

روش عقلی یا روش فلسفی

۱۰. مفاهیم اعتباری‌ای که منشأ و ریشه‌ای در واقع دارند و ذهن با قرار گرفتن در برابر آن واقعیت، به ناچار این مفاهیم را می‌سازد. اینها **اعتباریات** **نفس‌الامری** اند.

روش عقلی یا روش فلسفی

۲۰. مفاهیمی که از چنین منشأ و ریشه‌ای به آن معنا برخوردار نیستند و اعتباریات محض نامیده می‌شوند؛ البته این بدان معنا نیست که این اعتباریات (اعتباریات محض) گزاف‌اند و هیچ علت و حکمتی ندارند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• همچنین گفتیم اعتباریات نفس الامری احکامی هستند که عقل عملی صادر می‌کند؛ زیرا آنها در واقع از سنخ اعتبارند؛ به همین دلیل می‌توان در یک تعبیر، آنها را احکامی دانست که عقل صادر می‌کند؛ اما از آن جهت که ریشه در واقعیت و نفس الامر دارند، می‌توان گفت آنها اموری هستند که عقل آنها را درک می‌کند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• در مورد عقل عملی این بحث وجود دارد که آیا عقل عملی مدرک است یا چیزی را ایجاد می‌کند. در واقع به معنای دقیق کلمه، عقل عملی ایجادکننده است؛ اما از آنجاکه ایجادشونده، ریشه در واقع دارد و عقل به گونه‌ای در ایجاد آن مضطر است، از آن به ادراک تعبیر می‌کنیم.

روش عقلی یا روش فلسفی

• در مورد اعتباریات محض، از جمله مثال‌هایی که برای آن مطرح می‌شود، اعتباریات عقلایی است. مقصود از اعتباریات عقلایی، اعتباراتی است که عقلا از آن جهت که عاقل‌اند حکم می‌کنند؛ بنابراین شامل احکام عقلی‌ای نمی‌شود که عقلا هم به آنها حکم می‌کنند. در اعتبارات عقلایی، عقلا بر اساس منافع و مصالح و با حکمتی در حد ادراک خودشان، اقدام به اعتبار می‌کنند؛ بنابراین این احکام گزاف و باطل نیستند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• به تعبیر علامه طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ش) همه اعتباریات محض توهم‌اند؛ اما توهمی که منشأ آثار واقعی می‌شوند؛ زیرا همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، مفاهیم اعتباری در زندگی بشر نقش دارند و او را به سمت امور مختلف می‌کشانند و وادار به تحریک می‌سازند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• عقلا هم با توجه به همین خصلت اعتباریات - خصلت برانگیختن، بازداشتن و تأثیری که در اراده انسان دارند - اقدام به اعتبار می‌کنند و با آن اعتبار، مخاطبان خودشان را جهت می‌دهند، آنها را در مسیرهای خاصی وادار به حرکت می‌کنند و از مسیرهای خاصی باز می‌دارند.

روش عقلی یا روش فلسفی

• شارع هم در برخی قانونگذاری‌های خویش به همین روش عمل کرده است و با اعتباراتی شبیه اعتبارات عقلایی، بشر را به سمتی هدایت کرده یا از ورود در برخی مسیرها باز داشته است.

روش عقلی یا روش فلسفی

• حال با توجه به این مطالب دوباره به پرسش خود باز می‌گردیم: آیا اعتباری بودن این امور با توجه به آن جمله فلسفی که «احکام حقایق در اعتباریات جاری نیست»، باعث می‌شود که اعتباریات به‌طور کلی دنیای مستقلی از حقایق داشته باشند و احکام حاکم بر اعتباریات و به‌تبع روش‌های موجود در ساحت اعتباریات با احکام و روش‌هایی که در حوزه حقایق وجود دارند، کاملاً متفاوت و متباین باشند؟

روش عقلی یا روش فلسفی

• در پاسخ باید گفت خیر. درست است بعضی از احکام مربوط به حقایق، وابسته به خود حقیقت‌اند و در غیر حقایق چنین حکمی به این شکل جاری و ساری نیست، در همه امور این گونه نیست.

روش عقلی یا روش فلسفی

اعتباری از یک جهت امری حقیقی است.

اعتباریات نفس الامری به لحاظ نفس الامرشان حقیقی اند.

بخشی از قواعد عقلی و فلسفی اختصاص به حقایق ندارند.

دلیل جریان احکام حقایق در اعتباریات